

گونه‌شناسی روایات امام حسن مجتبی‌علیه السلام در تفسیر قرآن کریم

سهیلا جلالی کندری
فریده امینی**

◀ چکیده:

به استناد بسیاری از آیات و روایات، ائمه اطهار علیهم السلام تنها کسانی هستند که پس از خدا و پیامبر ﷺ آگاهی کامل به معارف قرآن و مراد و مقصود آیات آن دارند. ائمه علیهم السلام با توجه به نیاز بشر، به تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه گونه‌شناسی روایات در تفسیر قرآن کریم از یک سو و کثرت روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام از سوی دیگر، در این مقاله، با توجه به اینکه تاکنون روایات امام حسن علیهم السلام در تفسیر گونه‌شناسی نشده، تنها روایات تفسیری امام حسن علیهم السلام تحلیل و بررسی شده است. هرچند روایات تفسیری حضرت نسبت به امامان دیگر اندک است، همین روایات اندک دست‌مایه خوبی برای کشف نگاه امام حسن علیهم السلام به چگونگی تفسیر است. بر اساس این پژوهش، مهم‌ترین گونه‌های تفسیری روایات امام حسن علیهم السلام عبارت است از: ذکر سبب نزول، بیان معنی مفردات، بیان بطون آیات، تبیین آیات از راه بیان مصادیق، تبیین آیات الاحکام، ذکر جزئیات داستان‌های قرآن کریم، استناد و استشهاد به آیات، عمل به آیه یا عمل به مفاد آن، علم قرائت، فضایل و خواص قرائت سوره‌ها و آیات. روش امام حسن علیهم السلام در تفسیر قرآن کریم عبارت است از: تفسیر قرآن با سنت، استناد به قواعد زبان عرب، مبانی قرآن‌شناختی امام حسن علیهم السلام در تفسیر قرآن کریم عبارت است از: هدایتگری قرآن و صیانت قرآن از تحریف.

◀ **کلیدواژه‌ها:** امام حسن علیهم السلام، تفسیر قرآن، گونه‌شناسی روایات، روایات تفسیری، تفاسیر مأثور.

* استادیار دانشگاه الزهراء / S_jalalik@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث / Amini_543@yahoo.com

طرح مسئله

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی و معجزه جاویدان رسول خدا ﷺ، از سوی خداوند برای هدایت انسان‌ها نازل شده است. یکی از نیازهای ضروری مردم برای رشد معنوی و بهره‌وری از هدایت قرآن کریم، فهم مراد و مقصود آیات الهی است. خداوند به منظور بهره‌وری بهتر مردم از قرآن کریم، رسول خویش را به عنوان «مبین» این کلام معرفی کرده و فرموده: «... أَتَزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: 44) در آیه «... وَمَا يَخْلَعُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...» (آل عمران: 7) علم به تأویل قرآن کریم را مختص خویش و راسخان در علم دانسته است. به استناد بسیاری از روایات «راسخان در علم» رسول خدا و امامان معصوم علیهم السلام هستند. (صفار، 1404ق، ص 196/ عیاشی، 1380ق، ج 1، ص 164/ کلینی، 1365ش، ج 1، ص 213/ حر عاملی، 1409ق، ج 27، ص 179)

در روایات متعددی، مراد از «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» را در آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ...» (عنکبوت: 49) ائمه اطهار علیهم السلام معرفی کرده‌اند. (صفار، 1404ق، ص 204/ کلینی، 1365ش، ج 1، ص 214/ حر عاملی، 1409ق، ج 27، ص 180) بر این اساس، با مراجعه به اهل بیت علیهم السلام و روایات ایشان، علاوه بر دستیابی به تفسیر و تأویل درستی از آیات قرآن کریم، می‌توان به مبانی و گونه‌های تفسیری ایشان پی برد، زیرا یکی از نقش‌های اساسی اهل بیت علیهم السلام تبیین قرآن، تعلیم اسلوب و روش فهم قرآن کریم بوده است. (معرفت، 1419ق، ج 1، ص 468-469) در این نوشتار، با توجه به وسعت روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن کریم، به منظور تمرکز بیشتر در این موضوع، روایات امام حسن علیهم السلام در تفسیر قرآن کریم بررسی شده است. گرچه در چند دهه اخیر، چند کتاب از مجموع سخنان حضرت با عنوان‌های کلمه الامام الحسن علیهم السلام تألیف سید حسن شیرازی، الالفین فی احادیث الحسن و الحسین تألیف علی مؤیدی، بلاغه الامامین الحسن و الحسن تألیف مصطفی محسن الموسوی و الشیخ محمد العاملی، سخنان امام حسن علیهم السلام تألیف مصطفی موسوی آل اعتماد مجموعه‌هایی فراهم آمده، در خصوص روایات این امام بزرگوار در تفسیر قرآن کریم تاکنون گونه‌شناسی صورت نگرفته که این پژوهش در صدد پرداختن به آن است.

در استخراج روایات امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن کریم، به منابع تفسیری اهل سنت از جمله روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تفسیر القرآن العظیم البحر المحیط فی التفسیر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، مفاتیح الغیب، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، همچنین منابع تفسیری و حدیثی شیعه از جمله تفسیر فرات الکوفی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تفسیر الصافی، البرهان فی تفسیر القرآن، تفسیر نورالثقلین، المیزان فی تفسیر القرآن، تفسیر نمونه همچنین کتاب بحارالانوار به عنوان دایره‌المعارف احادیث شیعه و کتب تحف العقول، وسائل الشیعه مراجعه و در نهایت 51 روایت تفسیری منسوب به امام حسن علیه السلام استخراج شد؛ 47 روایت در بحث گونه‌شناسی روایات و 6 روایت در بحث روش حضرت در تفسیر قرآن کریم طبقه‌بندی شد. در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد. ناگفته نماند بررسی روایات از نظر محتوایی صورت گرفته است نه سندی¹ و روایاتی که مخالفی با قرآن، سنت قطعی، عقل و علم قطعی نداشته باشند؛ محتوای آن مورد قبول است. علامه معرفت بر این شیوه در بررسی احادیث تفسیری پافشاری دارد و مفصل بدان پرداخته است. (معرفت، 1383ش، ج 1، مقدمه) همچنین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در موارد متعددی، از این روش برای نقد و بررسی احادیث تفسیری استفاده کرده است. (ر.ک: طباطبایی، 1417ق، ج 1، ص 18-23 ذیل سوره حمد؛ ج 12، ص 148، ذیل سوره حجر)

1. مبانی قرآن‌شناختی در روایات امام حسن علیه السلام

منظور از مبانی قرآن‌شناختی امام حسن علیه السلام نوع نگرش حضرت و جایگاه قرآن در نزد ایشان است، تأمل در روایات تفسیری امام حسن علیه السلام نشان می‌دهد که مهم‌ترین مبانی قرآن‌شناختی در روایات حضرت عبارت است از:

1-1. هدایتگری قرآن

آیات بسیاری در قرآن، بیانگر این حقیقت است که قرآن، کتاب هدایت است مانند آیات:

- «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: 2)

- «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ»

(نحل: 102)

- «طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ * هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (نمل: 21)

این ویژگی قرآن کریم، از مبانی قرآن‌شناختی است که در روایات امام حسن علیه السلام به آن اشاره شده است. حضرت در چند روایت خطاب به مردم می‌فرماید:

الف. «مَا بَقِيَ فِي الدُّنْيَا بَقِيَّةٌ غَيْرُ هَذَا الْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا يَدُلُّكُمْ عَلَى هُدَاكُمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنْ لَمْ يَحْفَظْهُ وَابْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَقْرُؤُهُ»

در دنیا غیر از این قرآن چیزی نمانده است؛ پس آن را امام خود قرار دهید تا شما را به هدایت راهنمایی کند. سزاوارترین مردم به قرآن کسی است که به آن عمل کند؛ هرچند آن را حفظ نکرده باشد و دورترین فرد از قرآن کسی است که به آن عمل نکند؛ هرچند آن را بخواند. (دیلمی، 1412ق، ج 1، ص 79)

ب. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَائِدًا وَسَائِقًا يَقُودُ قَوْمًا إِلَى الْجَنَّةِ أَحَلُّوا حَلَالَهُ وَحَرَّمُوا حَرَامَهُ وَآمَنُوا بِمُتَشَابِهِهِ وَيسُوقُ قَوْمًا إِلَى النَّارِ ضَيِّعُوا حُدُودَهُ وَأَحْكَامَهُ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُ»

این قرآن در روز قیامت درحالی که راهبر است می‌آید؛ مردمی را که حلال قرآن را حلال و حرام آن را حرام گرفته‌اند و به متشابه آن ایمان آورده‌اند، به بهشت رهنمون می‌شود و مردمی را که حدود و احکامش را ضایع کرده‌اند و حرام‌هایش را روا شمرده‌اند، به آتش می‌اندازد. (همان‌جا)

ج. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ، وَشِفَاءُ الصُّدُورِ، فَلْيَجْلُ جَالِ بَصَرَةٍ، وَلْيُلْجِمِ الصِّفَّةَ قَلْبُهُ، فَإِنَّ التَّفَكِيرَ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ»

چراغ‌های نور و شفای سینه‌ها در این قرآن است. پس باید سالک، در نور آن راه ببیماید و با این ویژگی، دل خود را لگام زند، زیرا این اندیشیدن حیات دل بیناست، همان‌گونه که آدمی در تاریکی‌ها با نور روشنایی می‌گیرد. (اربلی، 1381ق، ج 1، ص 574/ مجلسی، 1404ق، ج 75، ص 101)

حضرت قرآن را راهنما و پیشوا (امام) و همچنین به عنوان نوری معرفی می‌کنند که روشنگر تاریکی‌هاست.

2-1. صیانت قرآن از تحریف

صیانت قرآن از تحریف، یکی از مهم‌ترین مبانی قرآن‌شناختی است؛ البته اثبات آن نیاز

به ادله قطعی دارد که شرح حال آن مجال دیگری می‌طلبد.² امام حسن علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «ما بقى فى الدنيا بقیة غیر هذا القرآن فاتخذوه اماما یدلکم علی هدیکم...» از کتاب‌های آسمانی جز قرآن، بقیه تحریف شده و از میان رفته‌اند، پس آن را راهبر خود قرار دهید و تنها اوست که شما را به راه درست می‌برد. (دیلمی، 1412ق، ج 1، ص 79)

امام حسن علیه السلام قائل به عدم تحریف قرآن هستند؛ لذا معتقدند که قرآن می‌تواند راهبر انسان و موجب هدایت گردد.

2. گونه‌های روایات امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن

گونه در لغت به معنای طرز، روش و شیوه به کار رفته است. (معین، 1382ش، ص 1152) پژوهش‌های روش‌شناسی در روایات امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن، حاکی از این مطلب است که مهم‌ترین شاخص‌های تفسیری از منظر ایشان که در این نوشتار از آن به گونه‌شناسی روایات در تفسیر تعبیر می‌شود، از این قرار است:

2-1. بیان علوم قرآن

تأمل در روایات امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن، بیانگر این مطلب هست که بخشی از روایات حضرت، ناظر بر مباحث علوم قرآنی است، علوم قرآن، همه دانش‌هایی را که برای فهم قرآن به کار می‌آیند یا برخاسته از قرآن‌اند، دربرمی‌گیرد. (جوان آراسته، 1381ش، ص 25) که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

2-1-1. سبب نزول

یکی از مباحث علوم قرآن که در حوزه تفسیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مبحث سبب نزول است. واحدی در کتاب *اسباب النزول*، دانستن فهم این علم را به منظور تفسیر قرآن لازم دانسته، زیرا به گفته وی، فهم و تفسیر قرآن بدون شناخت سبب نزول آیات، امری ممتنع و نشدنی است. (واحدی، 1411ق، ص 10) ابن دقیق نیز آگاهی از سبب نزول را راهی بسیار قوی در فهم معنی قرآن دانسته است. بغوی و ابن تیمیه نیز بر این باورند که شناخت سبب نزول به فهم آیات کمک می‌کند. به این دلیل علم به سبب، به علم به مسبب می‌انجامد. (بغوی، 1420ق، ج 1، ص 13/ سیوطی، بی‌تا، ص 342) در ادامه به نمونه‌هایی از روایات امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن که ناظر به سبب نزول است، اشاره خواهد شد:

الف. حضرت سبب نزول آیه «فَمَنْ حَاكَمَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَنَبْتَهُلَ فَنَجْعَلَ لَكُمُ الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: 61) را جریان مباحله ذکر می کند و می فرماید: پدرم علی نفس پیغمبر خداست، من و برادرم فرزندان پیامبریم، منظور از کلمه، نسا، مادرم زهرا است، ما، اهل و آل پیامبریم، پیغمبر خدا از ما و ما از او هستیم. (مجلسی، 1362ق، ص 55)

ب. حضرت در روایتی سبب نزول آیه «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر: 3) را عاص ابن وائل و سخن او به رسول اکرم ﷺ ذکر می کنند. (مجلسی، 1362ق، ص 80)

ج. حضرت در روایتی سبب نزول آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات: 6) را ولید ابن عقبه ذکر کرده اند. (مجلسی، 1362ق، ص 64)

2-1-2. علم قرائت

علم قرائت از دیگر مباحث علوم قرآنی است که حضرت به آن پرداخته اند. امام حسن علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: 49) ما هر چیز را به اندازه آفریده ایم. فرمود: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ لِأَهْلِ النَّارِ بِقَدَرِ أَعْمَالِهِمْ» ما هر چیزی را برای اهل آتش به اندازه عملکردشان آفریدیم. (ابن بابویه، 1389ق، ص 383) ظاهر آیه در صدد بیان چگونگی خلقت اشیای عالم است، اما امام آن را فراتر از معنای رایج آن گرفته و شامل کیفر اخروی هم دانسته است. باید توجه داشت که ذکر این گونه اضافات تفسیری و عبارات از قبیل اضافات برون متنی و اضافات تفسیری است که به منظور تبیین بهتر آیه از آن حضرت صادر شده است. (طباطبایی، 1417ق، ج 2، ص 105)

2-1-3. فضایل و خواص قرائت سوره ها و آیات

یکی دیگر از مباحث علوم قرآنی، ذکر فضایل و خواص قرائت سوره ها و آیات قرآن کریم است که امام حسن علیه السلام در روایتی به آن پرداخته است: «من قرأ القرآن كان له دعوة مجابة اما معجلة و اما مؤجلة» هر کس قرآن بخواند، دیر یا زود یک دعای مستجاب دارد (مجلسی، 1404ق، ج 98، ص 204) و فرمود: «من قرأ ثلاث آیات من

آخر سورة الحشر اذا أصبح فمات من يومه ذلك طبع بطابع الشهداء و إن قرأ اذا أمسى فمات فی لیلته طبع بطابع الشهداء» هرکسی هنگام صبح سه آیه آخر سورة حشر را بخواند، و در آن روز بمیرد، مَهر شهدا خواهد خورد و چون شب شود و بخواند و بمیرد، نیز مَمهور به مهر شهدا می‌شود. (همان، ج 98، ص 310)

* روایات بیانگر مصداق و بطن (تأویل)

بخش اصلی تفسیر اهل بیت (ع)، حول محور تفسیر معنوی قرآن کریم است. تفسیر معنوی همان تفسیر باطنی یا تبیین مفهومی آیات به شمار می‌رود. این سخن به این معنا نیست که آنان به شرح الفاظ یا بیان لغوی کلمات و آیات قرآن اهتمام نداشته‌اند؛ بلکه به این معناست که قرآن به لحاظ داشتن وجوه گوناگون و اشتمال آن به ظاهر و بطن، تفسیر یا تأویل‌های متفاوت را برمی‌تابد و اینجا است که حضور معنوی و علمی اهل بیت (ع) در جایگاه مصداق اهل ذکر معنا می‌یابد. (قاسم‌پور، ش 1382، ص 242) ائمه اطهار (ع) همواره در سطح گسترده، به بیان معانی باطنی آیات قرآن و ذکر مصادیق مبادرت ورزیده‌اند. ویژگی مراتب معنایی در قرآن و چندلایگی آن از امتیازات زبانی قرآن به شمار می‌رود و بیانگر جاودانگی و پایداری قرآن است. (رستم‌نژاد، 1388، ص 23) در این روایات، از معانی یا مصادیقی برای آیات سخن به میان آمده که استفاده از آن‌ها، یا انطباق آیه بر آن مصادیق روشن نیست یا از مصادیقی است که در زمان بیان، هنوز واقع نشده و به این جهت پوشیده است؛ هرچند نوعی از ارتباط بین آن‌ها و آیه برقرار است که با توجه به بیان معصوم می‌توان آن را مراد آیه دانست؛ البته ذکر این معانی و مصادیق به معنای نفی معنا یا مصداق ظاهری نیست. به همین دلیل، گاه در روایات، هم معانی و مصادیق باطنی و هم معانی و مصادیق ظاهری مطرح شده است. (بابایی، 1388، ش، ص 291)

درباره رابطه میان معنای بطن و تأویل میان مفسران اختلاف است: علامه طباطبایی در تعریف بطن قرآن می‌گوید: «قرآن از نظر معنا مراتب مختلفی دارد. مراتب طولی که مترتب و وابسته به یکدیگر است و همه آن معانی درعرض واحد قرار ندارند تا کسی بگوید این مستلزم آن است که یک لفظ در بیش از یک معنا استعمال شده باشد و این صحیح نیست، یا کسی بگوید این نظیر عموم، مجاز می‌شود یا از باب لوازم متعدد

برای ملزوم واحد است، نه، بلکه همه آن معانی، معانی مطابقی است که لفظ آیات به طور مطابقی بر آن دلالت دارد. چیزی که هست، هر معنایی مخصوص به افق و مرتبه‌ای از فهم و درک است.» (طباطبایی، 1417ق، ج 3، ص 64) از نظر علامه، بطن متفاوت از تأویل است و منظور از تأویل، حقایق و واقعیت‌های خارجی است که بیانات قرآن مستند به آن و حاکی از آن است. (همان، ص 53) اما آیت‌الله معرفت، بطن را هم معنای تأویل³ شمرده است و آن را در مقابل ظاهر و معنایی پوشیده می‌داند که از ظاهر سخن به دست نمی‌آید و نیازمند دلیل روشنی است که بیرون از خود لفظ و سخن است. (معرفت، 1421ق، ج 3، ص 28) از نظر ایشان، بطن معنای کلی هر آیه است که شامل همه زمان‌ها و همه مکلفان می‌شود. دستیابی به این نوع تفسیر برای همه ممکن، اما وابسته به ضوابطی است که رعایت آن انسان را به باطن درست آیه راهنمایی می‌کند؛ ضوابطی از جمله وجود مناسبت بین ظاهر و بطن کلام و دقت در الغای خصوصیات که دخیل در حکم نیست به منظور دستیابی به ملاک قطعی (رستمی، 1380، ج 1، ص 170-171/ نیز ر.ک: معرفت، 1418ق، ج 1، ص 24) همچنین محقق معاصر، محمدکاظم شاکر، بطن و تأویل را هم معنا دانسته و معتقد است قرآن کریم نیز مانند هر کلام معنادار دیگری، دارای یک قوس نزولی و یک قوس صعودی است. قوس نزولی، «تنزیل» و قوس صعودی، «تأویل» است. در قوس نزول، قرآن به سان نوری از مقام علم و اراده خدا - بطن - به صورت لفظ طلوع می‌کند، تا به صورت کتابی روشن و آشکار، بر خلق تجلی می‌یابد و این سیر تنزیل است. مردم نیز باید از این تنزیل که حبل متین خداوند است، بالا روند تا به وسیله راه‌های سلامت آن، به رضوان حق نایل آیند که این سیر تأویل است. (شاکر، 1381ش، ص 98-100)

به نظر نگارندگان، از رهگذر دقت در این روایات تفسیری امام حسن علیه السلام، می‌توان استنباط کرد که تأویل، همان معناشناسی قرآن و رسیدن به بطن، با توجه به واقعیات جاری هر زمان است که در قالب تعیین مصداق و تبیین معنای باطنی در گونه‌های روایات تفسیری امام حسن علیه السلام تبلور یافته است. در ادامه، به ذکر روایاتی در کلام امام حسن علیه السلام پرداخته می‌شود که حضرت ذیل آن روایات، به تعیین مصداق و معنای باطنی آیات پرداخته‌اند:

2-2. تعیین مصداق

بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایی آمده و از آن به عنوان «روایات تفسیری» یاد شده، تفسیر آیه نیست، زیرا تفسیر به معنای بیان معانی الفاظ و جمله‌های قرآنی است و بیشتر آن احادیث از آن قبیل نیست؛ بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی از مصداق و موارد فراوانی، تطبیق بر بارزترین مصداق آن است. (جوادی آملی، 1388ش، ج 1، ص 167) این گونه روایات بر فرض صحت و تمامیت سند و جهت صدور، هرگز گستره شمول و عموم معنای آیه را محدود نمی‌کند و بیان مصداق کامل یا یک مصداق، مصداق دیگر را نفی نمی‌کند و دست مفسر را در تطبیق آیه بر سایر مصداق آن نمی‌بندد؛ بلکه آیه دارای معنایی عام است و همچنان به عموم خود باقی است. (همان، ص 168) فایده و نقش روایات تطبیقی آن است که با تبیین برخی مصداق آیه، مفسر را در ارائه معنای کلی راهنمایی می‌کند. (همان‌جا)

2-2-1. تعیین مصداق ظاهری

در بخشی از روایات، مفهوم ظاهری آیه به شخصی یا حادثه معینی منطبق شده است. این مصداق یا مربوط به زمان نزول قرآن یا مصداقی است که بعدها به دلیل فراگیر بودن احکام قرآن، در دایره مصداق جای گرفته است. (میتاقي، 1388ش، ص 102) در ادامه به بررسی انواع آن می‌پردازیم.

2-2-1-1. تعیین مصداق ظاهری اتم

مراد از مصداق ظاهری اتم، آن دسته از مصداقی است که بارزترین و کامل‌ترین مصداق آیه به شمار می‌آید. از این قبیل مصداق، در روایات تفسیری امام حسن علیه السلام نیز وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد:

الف. امام حسن علیه السلام در روایتی مصداق «شهید» را با استناد به آیه «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء: 41) حضرت رسول صلی الله علیه و آله عنوان کرده است و مصداق از «مشهود» را با استناد به آیه «ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ» (هود: 103) روز قیامت عنوان کرده‌اند. (الوسی، 1415ق، ج 15، ص 296)

ب. در روایتی حضرت مصداق از «ذُرِّيَّةً» در «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ* ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران: 33-34) اهل

بیت علیه السلام ذکر کرده‌اند: «فَتَحْنُ الذَّرِيَّةُ مِنْ آدَمَ وَالْأُسْرَةَ مِنْ نُوحٍ وَالصَّفْوَةَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَالسَّلَالَةَ مِنْ إِسْمَاعِيلَ وَآلٍ مِنْ مُحَمَّدٍ» (مجلسی، 1404ق، ج 43، ص 358)

ج. امام حسن علیه السلام می‌فرماید: هر جا در کتاب خدای سبحان «انّ الابرار» آمده است، سوگند به خدا، از آن‌ها جز علی بن ابی طالب و فاطمه و من و حسین علیهم السلام را اراده نکرده است، زیرا ما به سبب پدران و مادران خود «ابرار» هستیم و دل‌های ما با عبادات و نیکی‌ها بالا رفته و از دنیا و دوستی آن بیزار شده است و ما در همه فرائض الهی از او اطاعت می‌کنیم و به وحدانیت او ایمان داریم و پیامبرش را تصدیق می‌کنیم. (علوی، 1428ق، ج 4، ص 2)

د. امام حسن علیه السلام در روایتی دیگر اهل بیت علیهم السلام را مصداق «أُولَى الْأَمْرِ» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء: 59) ذکر کرده‌اند و می‌فرماید: از ما پیروی کنید که اطاعت ما، چون همراه اطاعت خدای سبحان و پیامبرش باشد، واجب است. (طوسی، 1414ق، ص 691)

ه. در روایتی، حضرت مصداق «حسنه» در آیه «وَمَنْ يَفْقَرَفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» (شوری: 23) مودت اهل بیت و اصحاب کساء عنوان می‌کنند. «هی مودتنا اهل البیت اصحاب الکساء.» (عاملی، 1413ق، ج 3، ص 162)

و. در روایتی حضرت «أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» را در آیه «فَقُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» (بروج: 4) اهل حبشه دانسته‌اند. (متقی هندی، 1405ق، ج 2، ص 549)

ز. امام حسن علیه السلام در روایتی درباره «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ» می‌فرماید منظور معاویه و یارانش هستند؛ «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ...» (نور: 26) منظور علی ابن ابی طالب و شیعیانشان هستند. (طباطبایی، 1417ق، ج 15، ص 107)

ح. حضرت در روایتی درباره سبب نزول آیه «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» (حجر: 47) می‌فرماید: درباره ما نازل شده است «فینا نزلت»⁴ (مجلسی، 1404ق، ج 24، ص 264)

2-1-2-2. تعیین مصداق عام

در میان روایات امام حسن علیه السلام گاه به تعیین مصداقی از آیات پرداخته می‌شود که تنها

یکی از مصادیق محتمل برای آیه است و مانند مصداق اتمّ از جایگاه خاصی در میان دیگر مصادیق برخوردار نیست.

الف. از حضرت سؤال شده است که منظور از «الْعَذَابِ الْأَذْنَى» در آیه «وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سجده: 21) چیست؟ حضرت می‌فرماید: منظور کشتار با شمشیر در یک روز است: «هو القتل بالسيف، نحو يوم بدر» (اندلسی، 1420ق، ج 8، ص 439/ ابن عطیه اندلسی، 1422ق، ج 4، ص 363)

ب. در روایتی، حضرت مراد از «حَيَاءً طَيِّبَةً» در «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: 97) قناعت دانسته‌اند: «هی القناعت و هذا طيب عيش الدنيا» (ابن عطیه اندلسی، 1422ق، ج 3، ص 419)

ج. حضرت در روایتی، مراد از «قوام» در آیه «وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: 67) را کار نیک عنوان می‌کنند و می‌فرمایند: قوام یعنی کار نیک (کمک به دیگران)، توانگر به‌اندازه‌ی توانایی خود و تنگدست به‌اندازه‌ی توانایی خود، همچنین هزینه کردن بر عائله و فراهم آوردن روزی (و امکانات زندگی) ایشان، به قدری که برای خود او و آنان شایسته و مناسب است و خداوند هیچ کس را بیش از آنچه به وی داده است، مکلف نمی‌سازد. (حکیمی، 1380ش، ج 6، ص 89)

ه. حضرت در روایتی مراد از «نعمه» در آیه «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی: 11) را این‌گونه عنوان می‌کنند: منظور هر گونه خیری است (اعم از مادی و معنوی): «ما عملت من خير فحدث إخوانك» (ابن کثیر، 1419ق، ج 8، ص 414/ قرطبی، 1364ش، ج 21، ص 103) و در جای دیگر می‌فرماید: هر نعمتی را که خداوند در دین به او داده، بیان کند: «أمره أَنْ يُحَدِّثَ بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْهِ فِي دِينِهِ» (ابن شعبه حرانی، 1404ق، ص 177)

و. از حضرت سؤال شده است که منظور از «يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ» در آیه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (آل عمران: 155) چیست؟ حضرت می‌فرماید: منظور روز هفدهم ماه مبارک رمضان است که دو گروه با هم برخورد کردند: «كانت ليلة الفرقان يَوْمَ التَّقَى

الْجَمْعَانِ لِسَبْعِ عَشْرَةِ مَضْتِ رَمَضَانَ» (سیوطی، 1404ق، ج 3، ص 188/ طبری، 1412ق، ج 10، ص 8/ ابن کثیر، 1419ق، ج 4، ص 58/ ملاحویش آل غازی، 1382ش، ج 1، ص 24)

2-3. تبیین معنا

این گونه از روایات امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن یا در پی معنای ظاهری که همان مدلول لفظ است، می باشد یا معنای باطنی را که فراتر از این ظاهر است، مدنظر قرار داده است.

1-3-2. تبیین معنای باطنی

قرآن علاوه بر معنای ظاهری، معنای باطنی نیز دارد که از آن به «بطون آیات» تعبیر می شود. (مکارم شیرازی، 1374ش، ج 4، ص 323) معنای ظاهر و باطن قرآن در طول هم قرار دارند نه در عرض هم. به همین دلیل، اراده هریک به دیگری لطمه وارد نمی کند. (طباطبایی، 1386ش، ص 49) همچنین بطن معنای کلی هر آیه است که شامل همه زمان ها و همه مکلفان می شود. دستیابی به این نوع تفسیر برای همه ممکن، اما وابسته به ضوابطی است که رعایت آن انسان را به باطن درست آیه راهنمایی می کند؛ ضوابطی از جمله وجود مناسب بین ظاهر و بطن کلام و دقت در القای خصوصیات که دخیل در حکم نیست به منظور دستیابی به ملاک قطعی. (معرفت، 1418ق، ج 1، ص 27-32) تأمل در روایات تفسیری امام حسن علیه السلام نشان می دهد حضرت در برخی از روایات به بیان بطون آیات پرداخته اند که به ذکر این روایات می پردازیم:

الف. مراد از «ناس» در آیه «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر: 2) از حضرت سؤال شده است که حضرت می فرمایند: ماییم آن مردمی که گروه گروه در دین وارد شدند. (نیشابوری، 1416ق، ج 6، ص 585/ فخر رازی، 1420ق، ج 32، ص 340)

ب. امام حسن علیه السلام در روایتی، آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نور: 35) اهل بیت علیهم السلام را مصداق این

آیه ذکر کرده است و می‌فرماید: مثل ما در کتاب خدا، چون چراغدانی است که در قندیلی است. ما آن چراغدانیم. در آن چراغدان، چراغی است و آن چراغ محمد(ص) است. «لَمِصْبَاحٌ فِي رُجَاجَةٍ» و ما آن شیشه‌ایم «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» که علی(ع) است. آن درخت «لَا شَرْقِيَّةٌ وَلَا غَرْبِيَّةٌ» یعنی نژادی است معروف و بدون ایراد «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» قرآن «نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» یعنی هر که را دوست بدارد، به ولایت ما هدایت می‌کند. (فرات کوفی، 1410ق، ص 285)

2-3-2. ذکر معنای مفردات آیات

بی‌تردید یکی از لوازم تفسیر قرآن کریم، فهم مفردات آیات آن است. اهمیت این علم به‌اندازه‌ای است که راغب اصفهانی فهم معانی مفردات آیات را از نیازهای اولیه برای طالبان فهم قرآن کریم دانسته است. (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 54) برخی نیز استفاده از حقایق، معارف، احکام و آداب قرآن کریم را مبنی بر فهم دقیق و صحیح مفردات آیات دانسته‌اند. (مصطفوی، 1360ش، ج 1، ص 5) تأمل در روایات تفسیری امام حسن(ع)، بیانگر این مطلب است که یکی از امور مورد توجه آن حضرت در تفسیر آیات قرآن کریم، ذکر معنی مفردات آیات بوده است.

حضرت در روایتی مراد از «ولوا الالباب» در آیه «إِنَّمَا يَنْدَكُرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (رعد: 19) اولوالعقول (خردمندان) ذکر کرده‌اند. (بحرانی، 1416ق، ج 3، ص 244)

2-3-3. تبیین آیات الاحکام

امام حسن(ع) گاه به تبیین آیات با محتوای احکام شرعی پرداخته‌اند: در تفسیر آیه «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارج: 24-25) حضرت منظور از سائل را این‌گونه عنوان می‌کند: سائل حق دارد و باید آن را پرداخت؛ هر چند سوار بر اسب باشد و در خواست کند: «للسائل حق و لو جاء علی فرس». (فخر رازی، 1420ق، ج 5، ص 217-218) با این تعبیر حضرت، سائل لزوماً نباید محروم و نیازمند باشد.

همچنین گاه حضرت برای تبیین آیاتی با محتوای فقهی به آیات قرآن استناد کرده‌اند. از حضرت پرسیدند که اگر انسان گم‌شده‌ای⁵ پیدا شود، آیا آن شخص برده

است و درباره وی باید حکم برده اجرا شود یا انسان آزاد است؟ امام حسن علیه السلام با استناد به آیه «وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ» (یوسف: 20) به آزاد بودن انسان پیداشده حکم کردند. (ابن عربی، بی تا، ج 3، ص 1078) ابن عربی در تفسیر آیه یادشده معتقد است، بنا بر اصل غالب در انسان که آزاد بودن است، چنین شخصی آزاده است. (طبری کیا هراسی، 1405ق، ج 10، ص 134/ ابن عربی، بی تا، ج 3، ص 1079)

2-4. تفسیر آیه با عمل به مفاد آن

اعمال و رفتار ائمه هدی علیهم السلام مبین و مفسر قرآن کریم بود و آنان الگوی مردم و قرآن مجسم بودند. روایات مورد اشاره در این بخش شامل سخنانی از امام حسن علیه السلام است که ایشان در هنگام انجام عملی، به آیه‌ای اشاره کرده است. این روایات نشان‌دهنده سعی امام علیه السلام در نهادینه کردن عمل به قرآن در میان مسلمانان و بهره‌گیری از آیات در زندگی روزانه است.

الف. امام حسن علیه السلام همنشین درویشان و بیچارگان و هم‌سخن با آنان بود و با قرائت آیه «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ» (نحل: 23) می‌فرمود: خداوند مستکبران را دوست ندارد. (ابن عطیه اندلسی، 1422ق، ج 3، ص 387)

ب. در روایت آمده که ایشان هنگامی که به نماز می‌ایستاد، بهترین جامه خویش را بر تن می‌کرد و می‌فرمود: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...» (اعراف: 31) (عیاشی، 1380ش، ج 1، ص 14)

2-5. استناد و استشهاد به آیات

استناد به آیات قرآن کریم پس از بیان برخی مطالب در سخنان گوناگون، یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام حسن علیه السلام در تبیین آیات قرآن کریم است. این امر علاوه بر اینکه سبب تأیید مطالب مطرح‌شده می‌شود، به نوبه خود نوعی تفسیر قرآن شمرده می‌شود، زیرا پیام‌هایی از آن آیات به مخاطبان منتقل می‌شود که موجب فهم بهتر آیات می‌شود. در ادامه به برخی از آن روایات اشاره می‌شود:

الف. امام حسن علیه السلام در روایتی، در باب مکلف بودن به پیروی از امام عادل به آیه «... فَبِهْدَاهُمُ اقْتَدِهْ...» (انعام: 90) استناد کردند و خطاب به مردم فرمودند: خدا شما را رحمت کند. از اینان پیروی کنید که خدای متعال، محمد صلی الله علیه و آله و پدران او ابراهیم و

اسماعیل و فرزندان‌ش را ستود و فرمود: «به هدایت آنان اقتدا کن» و بدانید که به پیروی ایشان مکلف هستید. (دیلمی، 1412ق، ج 1، ص 79)

ب. در روایتی دیگر، حضرت تقوا را عامل نجات دانستند و فرمودند: خدا شما را به تقوا سفارش کرد و آن را نهایت خشنودی خود قرار داد که تقوا در هر توبه و سرآمد هر حکمت و شرف هر کاری است؛ به سبب تقوا پارسایان رستگار شدند. خداوند متعال فرمود: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا» (نبأ: 31) و فرمود: «وَيُجْزِي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (زمر: 61)؛ پس ای بندگان خدا! از خدا پیروی کنید و بدانید هر که از خدا پروا کند، خدا راهی برای بیرون رفتن از فتنه‌ها به رویش می‌گشاید و در کارش درستی بخشد و هدایتش را فراهم کند و حجت او را پیروز کند و روسفیدش سازد. (کلینی، 1365ش، ج 7، ص 289/ دیلمی، 1412ق، ص 76)

ج. در روایت آمده که امام حسن علیه السلام با استناد به آیه «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: 31) در هنگام نماز بهترین لباس خود را بر تن می‌کردند. (عیاشی، 1380ق، ج 1، ص 14)

د. در روایتی، امام حسن علیه السلام بعد از اطلاع از حرکت لشکر معاویه، خطبه‌ای خواندند و فرمودند: به راستی خداوند جهاد را بر بندگان خود واجب فرمود و آن را ناگوار نامید. سپس به مؤمنان مجاهد فرمود: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: 46)؛ ای مردم! شما به آنچه می‌خواهید نمی‌رسید مگر با صبر بر آنچه ناگوار است. (اصفهانی، 1380ش، ص 59)

ه. پس از انعقاد صلح معاویه از امام حسن علیه السلام درخواست سخنرانی کردند و انتظار داشتند اثبات حقانیت‌اش توسط حضرت بیان شود؛ درحالی که حضرت با استناد به آیه «وَإِنْ أَدْرَىٰ لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (انبیاء: 111) آشکارا اعلام کردند که برای اصلاح امت، از حق خود چشم‌پوشی کرده‌اند. (ثعلبی، 1422ق، ج 6، ص 314)

2-6. ذکر جزئیات داستان‌های قرآن کریم

قرآن کریم در بیان داستان‌ها بنا ندارد به ذکر همه جزئیات آن بپردازد. قرآن اصلاً کتاب تاریخ نیست و منظورش از نقل داستان قصه‌سرایی نیست، بلکه کلامی است الهی که در قالب وحی ریخته شده و منظور آن هدایت خلق به سوی خداست. به همین سبب

است که هیچ قصه‌ای را با تمام جزئیات نقل نکرده و از هر داستانی، نکاتی مایه عبرت و تأمل را ذکر کرده است. (طباطبایی، 1417ق، ج 2، ص 308) لکن آگاهی از جزئیات داستان‌های قرآن کریم، کمک بسیاری در فهم بهتر آیات می‌کند. یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام حسن علیه السلام درباره قصص قرآن و ذکر برخی از جزئیات آن است که به آن روایات اشاره می‌شود:

الف. درباره قرارداد شعیب با موسی علیه السلام از امام حسن علیه السلام پرسیده شد که مدت آن هشت یا ده سال بوده است چون شعیب گفت: «... اَيُّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُذْوَانَ عَلَيَّ...» (قصص: 28) حضرت موسی کدام را عمل کرد؟ حضرت فرمودند: دومی را. (ابن ابی حاتم، 1419ق، ج 10، ص 3444/ سیوطی، 1404ق، ج 5، ص 127)

ب. امام حسن علیه السلام در روایتی درباره آیه «قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِذَا امْرَأَتُهُ كَانَتْ مِنَ الْعَابِرِينَ» (عنکبوت: 32) می‌فرماید: حضرت ابراهیم با آن گفته در پی دفع عذاب قوم لوط بود که با فرستادگان خدا سخن گفت و اعلام کرد: لوط در آن شهر است. «لَا أَعْلَمُ هَذَا الْقَوْلَ إِلَّا وَهُوَ يَسْتَبْقِيهِمْ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ (هود: 74)» (عروسی حویزی، 1415ق، ج 2، ص 378 و ج 4، ص 158/ بحرانی، 1416ق، ج 3، ص 120/ طباطبایی، 1417ق، ج 10، ص 327 و ج 16، ص 328)

3. روش امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن

روش تفسیر امری است فراگیر که مفسر آن را در همه آیات به کار می‌گیرد و آن عبارت از منابع و مستندات تفسیر است. (رضایی اصفهانی، 1385ش، ص 22) در اینجا با توجه به روایات امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن، به بررسی منابع تفسیری مورد استناد حضرت می‌پردازیم.

3-1. تفسیر قرآن به سنت

یکی از بهترین و ضروری‌ترین راه‌های شناخت قرآن، تفسیر آن به سنت معصومان علیهم السلام است. در واقع سنت معصومان علیهم السلام، یکی از منابع دستیابی به معارف قرآنی است. عترت طاهرین علیهم السلام بر اساس حدیث متواتر ثقلین، همتای قرآن بوده که تمسک به یکی از آن دو، بدون دیگری، مساوی با ترک هر دو ثقل است؛ از این رو، برای دستیابی به

دین کامل، اعتصام به هریک باید همراه با تمسک به دیگری باشد. (جوادی آملی، 1388ش، ج 1، ص 132)

امام حسن (ع) اگرچه خود معصوم هستند و کلامشان متقن، علاوه بر بیان مطالب خویش، در تفسیر برخی از آیات، سخنان حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) را نقل کرده‌اند.

الف. امام حسن (ع) به منظور تفسیر آیه «... فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (بقره: 113) به روایتی از جد بزرگوارشان حضرت رسول (ص) استناد کردند و به بیان آنچه سبب اختلاف میان یهود و نصارا بود، پرداختند. (فیض کاشانی، 1415ق، ج 1، ص 181)

ب. پس از انعقاد صلح عده‌ای از یاران امام حسن (ع)، ایشان را سرزنش کردند و حضرت را «مسود وجوه المؤمنین» خواندند، اما حضرت در پاسخ آن‌ها محترمانه فرمودند: خدا شما را رحمت کند، مرا سرزنش نکنید، چه اینکه پیامبر خدا بنی‌امیه را دید که از منبرش بالا می‌روند و ناراحت شد، خداوند آیات «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (قدر: 1-3) را نازل کرد. بنی‌امیه حکومت را به مدت هزار ماه به دست می‌گیرند، راوی می‌گوید ما حساب کردیم، دوران حکومت بنی‌امیه همین مدت هزار ماه بود. (ابن عاشور، بی‌تا، ج 30، ص 405/ سیوطی، 1404ق، ج 6، ص 371/ ابن کثیر، 1419ق، ج 8، ص 425)

ج. امام حسن (ع) به منظور تفسیر آیات «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقع: 10-11) به حدیثی از پدرش امام علی (ع) استناد کرده و سابقون را این‌گونه توصیف می‌کند: من (امام علی (ع)) با سابقه‌ترین سابقه‌داران به سوی خداوند و پیامبرش و نزدیک‌ترین مقربان به درگاه خدا و رسولش هستم. (بحرانی، 1416ق، ج 4، ص 256) د. امام در روایتی دیگری به نقل از پدر بزرگوارش، امام علی (ع) در تفسیر آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَإِذَا بَرَأَ النَّجْمُ» (طور: 49) می‌فرماید: منظور از إِذَا بَرَأَ النَّجْمُ دو رکعت نماز قبل از نماز صبح است. (طبری، 1412ق، ج 27، ص 51)

3-2. استناد به قواعد عربی

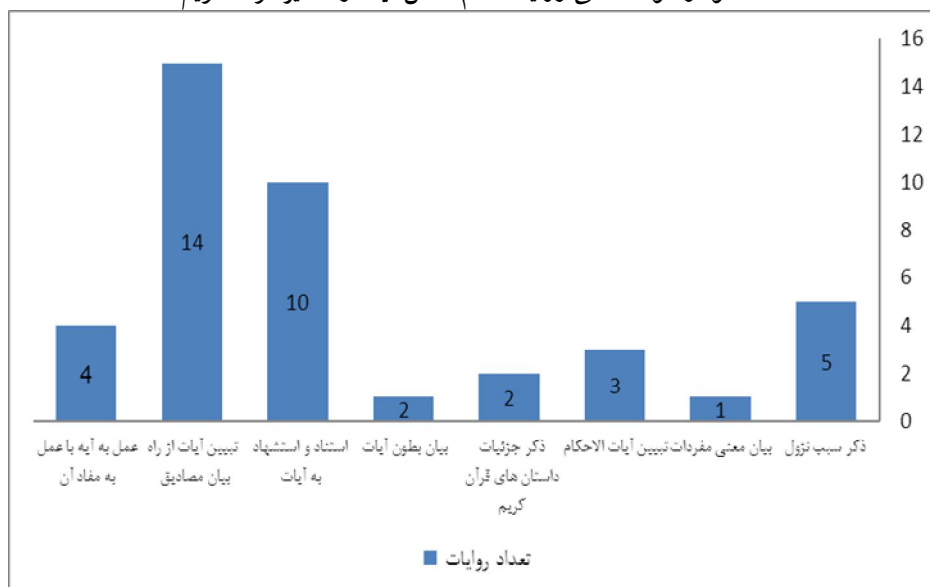
امام حسن (ع) گاه با استناد به قواعد زبان عرب و ارتباط بین اجزای کلام به تفسیر

آیات پرداخته‌اند.

3-2-1. تعیین مرجع ضمیر

تعیین صحیح مرجع ضمیر از عواملی است که موجب فهم صحیح آیات قرآن می‌شود و تشخیص نادرست در این امر به فهم نادرستی از آیات قرآن می‌انجامد؛ مانند آیه «فَنَادِيهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا» (مریم: 24) که در تفسیرش برای «نادیها» سه وجه ذکر شده است. وجه نخست این است که فاعل عیسی علیه السلام باشد، وجه دوم اینکه مرجع ضمیر، فرشته‌ای باشد که به منزلهٔ قابله بوده و وجه سوم در صورت فاعلی قرائت شدن منادی، فرشته و در صورت مفعولی تلاوت شدن آن، عیسی علیه السلام است. برخی مفسران پس از ذکر وجوه مختلف با استناد به روایت امام حسن علیه السلام که می‌فرمایند: «أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ لَمْ يَكُنْ كَلِمَهَا لَمَا عَلِمَتْ أَنَّهُ يَنْطِقُ فَمَا كَانَتْ تَشِيرُ إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَلَامِ»؛ اگر عیسی علیه السلام با مادرش سخن نمی‌گفت، مادرش خبردار نمی‌شد که او توان سخن گفتن دارد و بنابراین، به عیسی علیه السلام اشاره نمی‌کرد که سخن بگویند، وجه اول را بر می‌گزیند و مرجع ضمیر «فنادیها» را حضرت عیسی علیه السلام ذکر کرده است. (نووی، 1417ق، ج 2، ص 7-8/ فخر رازی، 1420ق، ج 21، ص 527)

نمودار گونه‌شناسی روایات امام حسن علیه السلام در تفسیر قرآن کریم



نتیجه‌گیری

1. تأمل در روایات امام حسن (ع) نشان می‌دهد روایات ایشان شامل برخی مبانی قرآن‌شناختی همچون هدایتگری قرآن و صیانت قرآن از تحریف است.
2. بیشترین روایات ذکرشده در زمینه مصادیق است. به نظر می‌رسد غرض اصلی امام حسن (ع) از بیان مصادیق توجه دادن مردم به مسئله ولایت و امامت معصومین (ع) و تبیین شأن و منزلت رفیع ایشان بوده است.
3. از آنجا که از رویدادهای مهم در زمان خلافت امام حسن (ع) ماجرای صلح با معاویه است، حضرت هنگام تبیین مصادیق با استناد به آیات به‌ویژه معاویه و یارانش را معرفی کرده‌اند.
4. امام حسن (ع) گاه در تفسیر قرآن کریم، برخی از روایات تفسیری حضرت رسول (ص) و پدر بزرگوارشان امام علی (ع) را بیان کرده است. این امر علاوه بر آشنا کردن مردم با علم اهل بیت (ع)، موجب ترویج مکتب تفسیری ایشان می‌شد.
5. ذکر سبب نزول، بیان معنی مفردات، بیان بطون آیات، تبیین آیات الاحکام، استناد و استشهاد به آیات، تبیین احکام فقهی، تبیین آیات از راه بیان مصادیق، عمل به آیه با عمل به مفاد آن، گونه‌های روایات امام حسن (ع) در تفسیر قرآن کریم است.
6. روش امام حسن (ع) در تفسیر قرآن کریم آن است که ایشان از سنت و ادبیات عرب (تعیین مرجع ضمیر) بهره برده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

1. اگرچه بررسی سندی ارزشمند است، در درجه دوم قرار دارد و مهم‌ترین شیوه برای بررسی احادیث تفسیری، بررسی محتوا، فحوا و قوت مطالب و... است و این در درجه اول قرار دارد. (معرفت، 1383ش، ج 1، ص 219)
2. ر.ک: علامه امینی، الغدير، ج 3، ص 101/خویی، بی‌تا، ص 215-254/ طباطبایی، 1417ق، ج 12، ص 106-137/ معرفت، 1388ش، ص 55-73.
3. ایشان برای تأویل دو معنا قائل‌اند: توجیه متشابه به وجه صحیح و معنای باطنی که در طول معنای ظاهر است. (معرفت، 1431ق، ج 3، ص 28-30)
4. علامه طباطبایی ذیل این آیه روایاتی که نزول آیه را در حق افراد دیگر نظیر طلحه، زبیر، عثمان،

عبدالله بن مسعود و... می‌دانند، می‌نویسد: این روایات به شهادت اختلافی که در آنهاست، همه تطبیقاتی است که راویان حدیث، آیه را با عده‌ای تطبیق کرده‌اند و گرنه خود آیه شریفه و سیاق آن با این معنا که درباره عده مخصوص نازل شده باشد، نمی‌سازد. (طباطبایی، 1417ق، ج 12، ص 177)

5. در دوران‌های پیشین، به سبب اندک بودن ارتباطات و گردش کم اطلاعات، مردم از یکدیگر خبر نداشتند و برده‌داری نیز رواج داشت. گاهی اتفاق می‌افتاد که در جایی، انسان گمشده‌ای پیدا شود و احتمال اینکه فرد گمشده فراری باشد، احتمالی قوی بود و چون این قبیل رخدادها، از مسائل مبتلا به مردم دوران‌های پیشین بود، فقیهان در کتب فقهی، بخشی را به آن اختصاص داده‌اند. همچنین اکثر فقها رأی بر آزاد بودن فرد پیدا شده داده‌اند. (ر.ک: طبری کیا هراسی، 1405ق، ج 10، ص 135)

منابع

1. قرآن کریم، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: سروش، 1374ش.
2. آلوسی بغدادی، سید محمود عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1415ق.
3. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز، 1419ق.
4. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین، 1389ق.
5. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، 1404ق.
6. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
7. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1422ق.
8. ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
9. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، 1419ق.
10. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، تبریز، بنی‌هاشمی، 1381ق.
11. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، 1420ق.
12. بابایی، علی‌اکبر، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388ش.
13. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، 1416ق.

14. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، به کوشش عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، 1420ق.
15. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1422ق.
16. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، 1388.
17. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم: بوستان کتاب، 1381ش.
18. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، 1409ق.
19. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380ش.
20. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، بی‌تا.
21. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی، 1412ق.
22. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، 1412ق.
23. رستم‌نژاد، مهدی، «گونه‌شناسی روایات تفسیری»، مجله حسنا، ش 1، 1388ش.
24. رستمی، علی‌اکبر، آسیب‌شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان (ع)، بی‌جا: کتاب مبین، 1380ش.
25. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، 1385ش.
26. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق.
27. _____، لب النقول فی اسباب النزول، بیروت: دار الاحیاء العلوم، بی‌تا.
28. شاکر، محمدکاظم، روش‌های تأویل قرآن، قم: بوستان کتاب، 1381ش.
29. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404ق.
30. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417ق.
31. _____، قرآن در اسلام، قم: بوستان کتاب، 1386ش.
32. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، 1372ش.
33. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، 1412ق.
34. طبری کیا هراسی، ابوالحسن علی بن محمد، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: دار المعرفه، 1405ق.
35. طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، قم: دار الثقافه، 1414ق.
36. عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم، 1413ق.
37. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، 1415ق.

38. علوی، محمد بن علی بن الحسین، المناقب، قم: دلیل ما، 1428ق.
39. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه، 1380ق.
40. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1420ق.
41. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1410ق.
42. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: الصدر، 1415ق.
43. قاسم پور، محسن، «گاهی به روش شناسی تفسیر امامان» فصلنامه قیسات، س 8، ش 29، 1382ش.
44. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، 1364ش.
45. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1365ش.
46. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، 1405ق.
47. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404ق.
48. _____، زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، تهران: اسلامیه، 1362ش.
49. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360ش.
50. معرفت، هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1418ق.
51. _____، التفسیر الاثری الجامع، قم: بی نا، 1383ش.
52. _____، التمهید فی علوم القرآن، قم: نشر اسلامی، 1421ق.
53. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: نشر اشجع، 1382ش.
54. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1374ش.
55. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعه الترقی، 1382ش.
56. میثاقی، عذرا، روش شناسی روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام، دانشگاه الزهراء (س)، استاد راهنما سهیلا جلالی، 1388ش.
57. نووی جاوی، محمد بن عمر، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1417ق.
58. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1416ق.
59. واحدی، علی ابن احمد، اسباب النزول القرآن، به کوشش کمال بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1411ق.
60. معرفت، هادی، تحریف ناپذیری قرآن، قم: ذوی القربی، 1388ش.
61. امینی، الغدیر، الغدیر، ترجمه محمدتقی واحدی، تهران: بنیاد بعثت، 1387ش.